

رابطه بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت در دانش آموزان دختر و پسر پایه نهم مدارس دولتی شهر ساری ناحیه ۲

معصومه خلخالی^۱

رقیه خلخالی^۲

مصطفی باقریان جلودار^۳

چکیده

هدف این پژوهش، رابطه بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت در دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس دولتی شهر ساری ناحیه ۲ بوده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن را، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه اول ناحیه ۲ شهر ساری که مجموعاً ۵۰۰ نفر می‌باشند، تشکیل می‌دهند که براساس جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای برحسب جنسیت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ۲۶ سوالی باورهای دینی گلاک و استارک، پرسشنامه ۱۸ سوالی رشد اخلاقی لطف آبادی، پرسشنامه ۶۰ سوالی خلاقیت عابدی می‌باشد روایی صوری و محتوایی ابزارها به تایید چند تن از متخصصان و صاحب نظران رسید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۳-۰/۸۰-۰/۷۷ بدست آمده که از لحاظ آماری معنادار و مورد تایید می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استنباطی از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شده است و نتایج این تحقیق نشان داد که بین باورهای دینی و رشد اخلاقی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد، بین باورهای دینی و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد و همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن است که سهم هر یک از مولفه‌های باورهای دینی در پیش‌بینی رشد اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان متفاوت است. به عبارتی از بین مولفه‌های باورهای دینی، بعد عاطفی بیشترین و بعد مناسکی کمترین سهم در پیش‌بینی رشد اخلاقی داراست و همچنین می‌توان گفت بعد عاطفی بیشترین و بعد مناسکی کمترین رابطه را با خلاقیت دانش‌آموزان دارد.

واژگان کلیدی

باورهای دینی، رشد اخلاقی، خلاقیت

۱- کارشناس ارشد، علوم تربیتی تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد نکا، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)،

khalkhali71@gmail.com

۲- کارشناس ارشد، علوم اجتماعی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد بابل، مازندران، ایران.

۳- هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور پل سفید، مازندران، ایران

طرح مسأله

در سال‌های اخیر، با توجه به تلاش‌های بسیاری که در آموزش مفاهیم دینی در مدارس صورت گرفته و نیز فعالیت‌های بی‌وقفه‌ای که مربیان تربیتی برای آشنایی کودکان با مبانی دینی انجام داده‌اند، تنها شاهد انبوه‌سازی مطالب ذهنی آنان به عنوان محفوظات هستیم و این آموزه‌های تعالی بخش که سبک زندگی و شیوه‌ی اعتقادات آینده‌ی فرد را می‌سازد، اگر با بینش و بصیرت صحیح صورت نگیرد به مرور کمرنگ شده و یا در مواجهه فرد با زرق و برق‌های فرهنگ‌های بیگانه دچار سردرگمی و در نهایت حذف اعتقادات آنها می‌گردد (لطف آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

از نظر آرگیل^۱ (۲۰۰۰) باورها، غالباً محوری‌ترین بعد دینداری محسوب می‌شوند و همان‌هایی هستند که مذهبی بودن فرد را تعیین می‌کنند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۵). بی‌شک باور دینی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر شگرفی دارد. البته باورهای مذهبی از طرفی باعث رشد اخلاقی می‌شود از طرفی دیگر باعث رشد فکری و خلاقیت و هوش افراد می‌شود به گفته تورنس^۲ (۱۹۷۳) خلاقیت در تمام فعالیت‌های فردی و گروهی مشاهده شده و با شدت و ضعف بالقوه قابل پرورش در همه افراد وجود دارد.

اینکه آموزش و پرورش در تربیت نیروی کودکان و نوجوانان آینده نقش زیربنایی دارد، بر کسی پوشیده نیست. اما منظور آموزش و پرورش، نباید فقط پرورش نیروهای مشخصی باشد که از نظر فنی و در رشته‌های گوناگون صاحب نظر باشند. بلکه آموزش و پرورش باید در کنار آموزش‌های رسمی و برنامه‌ریزی شده در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی، به‌طور جدی برنامه‌ریزی کند و این به سبب آن است که دانش‌آموزان و جوانان وقتی افراد مفیدی می‌شوند که بتوانند مشکلات جامعه را از طریق ایفای نقش خود برطرف کنند. یکی از پدیده‌هایی که نقش دانش‌آموزان را در حل مشکلات جامعه کاربردی می‌کند، مسأله‌ی تقویت رشد اخلاقی تعهد اجتماعی آنان است که اگر در مسیر درستی قرار گیرد، راه‌سازندگی هموار خواهد شد. بنابراین آموزش و پرورش باید در زمینه‌های زیر به تقویت ارزش‌های اخلاقی وجدان و تعهد اجتماعی دانش‌آموزان بپردازد: شرط اساسی برای پذیرش مسئولیت و تقویت تعهد اجتماعی دانش‌آموزان، رشد باورهای مذهبی آنان است. به طوری که افراد بتوانند در جامعه اظهار نظر، ایفای نقش در مسیر درست گام بردارند و مسئولیتی بپذیرند به نحو احسن انجام دهند. قبل از ورود دانش‌آموزان به جامعه، مدرسه و آموزش رسمی باید رشد دینی را در آنان تقویت کنند. تقویت

1 . Argyle

2 . Torrens

رشد دینی موجب می شود که دانش آموزان به مزایایی از قبیل مزایای تأمین و اهمیت ارضای نیاز روحی و اجتماعی و کسب هویت و تشخیص فردی دسترسی یابند. لذا در پژوهش حاضر ضرورت انجام تحقیق حاضر در خصوص بررسی رابطه بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان اهمیت دارد.

مبانی نظری و فرضیه های تحقیق

باور های دینی

در فارسی باور، عقیده، ایمان و اعتقاد ترجمه شده است. این واژه از اصطلاحات مربوط به حوزه روان شناسی اجتماعی است که مباحث مربوط به پدیده روانی اعتقاد را از این حیث که دارای رفتارسازی اجتماعی است مطالعه می کند (آریان پور، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵). کرچ و کرچفلید (۱۹۹۸) باور را چنین تعریف کرده اند: باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است. در فلسفه ذهن مدرن، کلمه باور برای حالتی اطلاق می گردد که ما چیزی را راست و درست می دانیم. در این معنی، باور به چیزی نیازمند تامل در مورد آن چیز نیست: یک فرد بالغ و معمولی از میان تعداد زیادی از اعتقاداتش تنها به چند از آن ها می تواند حضور ذهن داشته باشد.

همچنین، دین در لغت به معنی آیین، کیش، راه، روش و اسلام آمده است. در اصطلاح، به معنی مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان هاست. علامه محمدتقی جعفری در کتاب فلسفه دین، درباره معنی اصطلاحی دین چنین می آورد: مجموعه ای از هست ها و بایدهایی هستند که از طریق وحی و سنت معصومین علیهم السلام برای هدایت و کمال انسان ها ظهور یافته است. دین در حقیقت مجموعه دگرگونی هایی است که در فکر و عقیده فرد به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار که متکی بر ضوابط مذهب باشد انجام می شود. به عبارت دیگر در سایه دگرگونی هایی که در فکر و عقیده فرد ایجاد می گردد اخلاق و عادات، آداب و رفتار، روابط فردی و اجتماعی و ... صورت مذهبی و شرعی می گیرند و دین به عنوان عامل مسلط بر زندگی فرد و جنبه های آن خودنمایی می کند (افروز، ۱۳۸۸، صص ۱۱۵-۱۰۵).

در نهایت باور های دینی، از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، به سبب کشش درونی، به عبادت و بندگی خدا تمایل دارد. ارتباط آدمی با دین و نسبتی که با آن پیدا می کند، در مقوله « باور دینی » بیان می شود باور دینی، این قدرت را به فرد می دهد که با اعتقاد قلبی به آموزه های دین عمل کند که

این اعتقاد، پی آمدهایی همچون: پاسخ دادن به پرسش‌های بنیادین، جهت بخشیدن به زندگی، داشتن رویکرد مثبت به آینده، دست یابی به وحدت اعتقادی، برخورداری از مقبولیت اجتماعی و معنا بخشیدن به جهان را خواهد داشت (اکبری، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

باورهای مذهبی نوجوانان منعکس کننده سطح رشد شناختی آنان می باشد. این باورها در فاصله سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی از حالت خشک و لفظی خود خارج می شود و جنبه انتزاعی پر قدرتی به خود می گیرد. مثلاً مفهوم خداوند که در سالهای قبل از نوجوانی به صورت پدري توانا و دانا و مهربان در نظر کودک بود، حال در دوره نوجوانی به صورت برترین وجود بی همتا در ذهن و دل نوجوان جای می گیرد.

از طرف دوره نوجوانی است که نوجوانان، هم از نظر احساس نیاز به پرستش کمال مطلق و هم از بابت تفکر انتزاعی برای روی آوردن به دین و فهم مفاهیم پیچیده دینی، آمادگیهای مقدماتی احساسی و ذهنی لازم را به دست می آورند و خانواده و مدرسه و مراکز دینی فرصت مناسبی در اختیار دارند که باور و رفتار دینی را نیز به آنان بیاموزند. آمادگیهای انگیزشی و احساسی و عقلانی دینی از درون فرد جوانه می زند و محیط تربیتی بیرونی است که اگر جاذبه های مناسب و روشهای درستی را به کار گیرد می تواند ایمان مذهبی نوجوان را تقویت کند (طالب بیدختی، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

شکل گیری باوردینی

رشد باورهای مذهبی به کودکان و نوجوانان و جوانان اساساً توسط خانواده صورت می گیرد و مدرسه و اماکن مذهبی نیز نقش ثانوی خود را در این انتقال ایفا می کنند. باورهای مذهبی هم در نحوه تفکر فرد در باره هستی، هم در احساسات و عواطف او نسبت به خود و دیگران و هم در رفتار او در برخورد با مسائلی که با آنها رو به رو است تأثیر غیر قابل انکاری دارد (کلارک^۱ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱۹۰).

ورتینگتون^۲ (۱۹۸۷) در مطالعاتی که در مورد رابطه میان مذهبی بودن مادر و پدر (بر اساس دو عامل نگرش مادر و پدر نسبت به اهمیت مذهب و شرکت آنان در تکالیف مذهبی) و مذهبی شدن فرزندان صورت گرفت به این نتیجه به دست آمد که نقش مادر در مذهبی شدن دختر و نقش پدر در مذهبی شدن پسر بیشتر است. اوزوراک^۳ (۱۹۸۹) نیز نشان داده است که شرکت والدین در تکالیف و مراسم مذهبی و بحث و گفتگوهای مذهبی در خانواده باعث انتقال باورها و عملکردهای دینی به نوجوانان می شود. تقریباً در همه کشورها، نوجوانان و جوانان عموماً به

1 .clark
2 . worthington
3 . ozorak

مذهب علاقه و توجه نشان می دهند و والدین و بزرگسالان نیز با کمک به ایجاد و توسعه مراکز مذهبی و با شرکت در مراسم گوناگون مذهبی زمینه مساعدی برای پاسخگویی به نیازهای دینی آنان و انتقال سنن مذهبی فراهم می آورند. تحقیقات نیز نشان می دهد که اولاً والدین سعی می کنند فرزندان خود را با مذهب آشنا کنند و ثانیاً کوششهای آنان و سایر بزرگسالان و برنامه های مؤسسات گوناگون دولتی و غیردولتی در توجه و علاقه نوجوانان و جوانان به مذهب نقش مهمی دارد معمولاً مردم عموماً دین و مذهب خود را تغییر نمی دهند و اگر تغییری در عقاید پایه ای افراد پیش آید عموماً در دوره نوجوانی و اوائل جوانی است (ویجمن، ۲۰۱۲، ص ۴۵).

رشد اخلاقی

دانشمندان، تغییر و تداوم در زندگی را رشد می نامند. به نظر آنها، رشد یعنی تغییراتی که به طور مستمر در طول زندگی ارگانیسم، از لحظه ی انعقاد نطفه تا لحظه ی مرگ به وجود می آید از دیدگاه روانشناسان رشد تعریف رشد عبارت است از تغییر در ساخت بدنی، عصبی، رفتار و نشانه های ویژه ی شخص که همه به ترتیب بروز می کنند و در حد معقولی با ثباتند (گنجی، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

همچنین، اخلاق، جمع خُلق و خُلُق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می رود که با بصیرت درک می شود؛ در مقابل خَلق که به صورت ظاهری انسان گفته می شود، که با چشم قابل رویت است بسیاری از فلاسفه و حکمای اسلامی، اخلاق را با توجه به همان معنای لغوی تعریف کرده اند (فرانکنا^۲، ۲۰۰۹، ص ۱۲). اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تامل و تروی از آدمی صادر شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵).

روان شناسان، رشد اخلاقی را به این صورت تعریف کردند: رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می کند انسان ها در ارتباط با دیگر مردم چگونه باید رفتار کنند در واقع هدف از قوانین اخلاقی، قضاوت درباره اعمال جامعه پسند است. به تعبیر دیگر، شخص باید بین کمک به دیگران و حفظ منافع خود، یکی را برگزیند. این تعریف به بعضی جنبه های رشد اخلاقی اشاره کرده و جنبه های شخصی، رابطه با خدا و غیر آنها را نادیده گرفته است (کریمی نوری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

تحقق ارزشهای اخلاقی در مدرسه در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به

1 . wagemann

2 . Frankna

این ارزشها معتقد بوده، مهارتهای لازم را برای تبدیل آنها به هدفهای رفتاری کسب کرده باشند از مدیران و معلمان از این شکایت دارند که به رغم اندرزهای اخلاقی که در کتب درسی دانش آموزان گنجانیده شده است و سخنانی که در خلال برنامه های صبحگاهی یا سایر مراسم مدرسه برای آنان ایراد می شود و وجود اشعار و جملات زیبایی که با خط خوش بر در و دیوار مدرسه برای جلب توجه شاگردان نوشته می شود، رفتارهایی مانند تقلب، دروغگویی، بی اعتنایی به مقررات، خشنونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس مشاهده می شود. مدرسه منتهی به گردد (بازرگان، ۱۳۸۶، ص ۵۸). شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان داشته باشند، اما روشهای سنتی رفتار و برخورد آنان با دانش آموزان پاسخگوی این نیاز نیست. آنان معمولاً در مقابل مسائل انضباطی شاگردان سعی می کنند با نصیحت، تشویق رفتار مناسب و یا صحبت در مورد ارزشهای اخلاقی، شاگردان را متوجه عواقب رفتار خود کنند (اسلامیان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰). همین که نوجوانان به رشد اخلاقی و شناختی پیشرفته تری می رسند در مورد عقاید اجتماعی و سیاسی والدینشان و سایر بزرگسالان تردید می کنند، ارزشهای شخصی و عقایدشان کمتر مطلق و بیشتر عینی می شود. عقاید سیاسیشان نیز بیشتر جنبه انتزاعی پیدا می کند و کمتر مستبدانه است. وقتی که از کودک دوازده ساله ای پرسدند قانون برای چیست، پاسخ داد، «اگر قانون نبود مردم یکدیگر را می کشتند» ولی به عقیده آدلسون^۱ (۱۹۹۵) در سنین ۱۵ یا ۱۶ سالگی و هیجده سالگی نوجوانان قوانین را به عنوان راهنمای رفتار انسان تلقی می کنند «قوانین مردم را هدایت می کنند»، «قوانین حد و مرزی برای رفتار تعیین می کنند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹). تحقیقات واکر^۲ و همکاران (۱۹۹۵) نشان می دهد که اکثر نوجوانان در پاسخ به این سؤال که «اگر بین برخی از دستورهای مذهبی و اصول اخلاقی تضادی وجود داشته باشد شما کدام یک را مقدم می دانید؟» اکثر نوجوانان بر این باور بودند که اصول اخلاقی مقدم است. فقط ۱۱ درصد از نوجوانان اظهار داشته بودند که آن دستور مذهبی را بر اصول اخلاقی ترجیح می دهند (پاسینی^۳، ۲۰۱۱، ص ۱۴۱).

خلاقیت

تفکر و عملکرد خلاق نسبت به ایده ها و تجارب قبلی بشری نو شمرده شده، عامل تغییر و تحول بوده و الزاما می بایست به حال انسان و جامعه نیز مفید باشد مانند ایده های جدید، ابتکارات، اختراعات و اکتشافات. معنای تورنس^۴ (۱۹۷۹) تفکر خلاق را به حاصل وقوع انفجارات

- 1 . Adelson
- 2 . Walker
- 3 Pasyny
- 4 . Torrance

بینش درونی افراد تعبیر می کند. شوستروم^۱ (۱۹۶۷) نویسنده کتاب مشهور وانشناسی انسان سطله جو رفتار خلاقانه را یک رفتار خویشتن ساز در عین حال سلطه جویانه می شمارد و می گوید من رفتار خلاقه را یک رفتار خویشتن ساز، تعریف می کنم. خلاقیت عبارت است از توانائی یا قدرت ذهنی یا بدنی برای ساختن یا بازسازی واقیت به نحوی منحصر به فرد ماکس ورتایمر^۲ روانشناس گشتالت عبارت مناسب تفکر آفرینشی را نخستین بار ابداع و آنرا تفکری توصیف کرد که واقعا به چیزی مفید می انجامد (برونو^۳، ۲۰۱۱، ص ۸۵). استیفن رابینز (۱۹۹۱) خلاقیت به معنای ترکیب ایده ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده هاست استین، پارس و هاردینگ^۴ (۱۹۶۲) خلاقیت همان چیزی است که به ایجاد یک کار جدید منجر می شود، که در زمانی به عنوان یک چیز قابل دفاع یا مفید یا خشنود کننده مورد قبول گروه قابل توجهی قرار گیرد. مدنیک^۵ (۱۹۶۲) خلاقیت عبارت از سازمان دادن به عناصر هم خوانده به صورت ترکیبهای جدیدی است که به خواسته های خاص پاسخ می دهند یا اینکه به گونه ای مفید هستند (طالب زاده و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲). فاکس^۶ (۱۹۶۶) فرآیند خلاق به هر نوع فرآیند تفکری گفته می شود که مساله را به طریق مفید و بدیع حل کند. "هورلاک^۷ (۱۹۸۲) خلاقیت در واقع همان شکل کنترل شده تخیل است که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می گردد استرنبرگ^۸ (۱۹۸۹) خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالا خشنودی دیگران خواهد بود (کفایت، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۶۲).

خلاقیت اساسا ربطی به هوش بالا ندارد بعبارت دیگر افراد با هوش الزاما دارای خلاقیت نیستند. چه بسیارند کسانی که در محیط زندگی ما قرار دارند و از هوش و استعداد شگرفی برخوردار هستند لکن از ارائه هر نوع راه حل نو به مسائل و مشکلات عاجز هستند آنها فقط قادرند راه حلهای قدیمی و موجود را بیابند و میل چندانی به یافتن پاسخ های احتمالی و نو ندارند حفظ متون بلند، فرمولها و بیان عین آموخته ها بدون کم و کاست، نمونه فعالیت ذهنی این قبیل افراد است نیل به موفقیت اساسی ترین هدف و روش زندگی این قبیل افراد را تشکیل می دهد.

1. Evertt Shostrom
2. Vrtaymr Max
3. Bruno
4. Steine ' Parnes & Harding
5. Mednick
6. Fox
7. Hulark
8. Sternberg

بدیهی است وجود خلاقیت در این قبیل افراد بواسطه برخورداری از زمینه مساعد هوش شرسار، اثرات شایان توجهی در پی داشته و هوشیهر بالا شانس خلق آثار شگرف و ایده‌های مهم تری را ایجاد خواهد کرد. بنابراین پیام مهم مطلب فوق این است که خلاقیت تنها ویژگی افراد تیز هوش و نوابغ نبوده بلکه متعلق به تمامی انسانهاست یعنی همه افراد معمولی بالقوه توانائی خلاقیت در حد خود را دارند (حسن زاده، ۱۳۹۳، ص ۴).

در پژوهش کوریو، وارنر و نیز تحقیقات آلدِر و لوئیس^۱ (۱۹۸۲)، نشان داده است که نوجوانانی که به خود متکی هستند و می‌توانند به تنهایی کاری انجام دهند و عقاید مذهبی داشته باشند شاید به این دلیل که به قدر کافی فرصت داشته‌اند که عقاید خود را بیازمایند یا مستقلانه مسئولیت قبول کنند، در ضمن این نوجوانان اعتماد به نفس کمتر و استقلال و خلاقیت کمتری دارند، ذهن کنجکاوی ندارند، از لحاظ رشد مذهبی و اخلاقی کمتر رشد یافته‌اند و در برخورد با مشکلات روزمره عملی، تحصیلی و ذهنی انعطاف‌پذیری کمتری دارند از این رو معلمان سهم مثبتی در رشد اخلاقی و باورهای دینی نوجوانان و جوانان داشته‌باشند باید روابط محترمانه‌ای را با آنان ایجاد کنند. نوجوانان و جوانان نیاز به راهنمایی دارند و این راهنمایی باید در جریان یک ارتباط متقابل محترمانه به آنان ارائه شود، چرا که باورهای دینی نه فقط ناشی از تواناییهای فکری بلکه همچنین حاصل چگونگی روابط معلمان و همسالان و نوع ارزشهای اجتماعی فرهنگی و عواطفی است که در این ارتباطها با نوجوانان و جوانان مبادله می‌شود. ترکیب پویای ویژگیهای انگیزشی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی باعث می‌شود وی پذیرای باورهای دینی باشد، یعنی هم به باورهای دینی اولویت بدهد و هم به خداوند و جاودانگی خیر و فضیلت و ارزش انسانی خود و دیگران ایمان داشته‌باشد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

پرورس باورهای دینی در ارتباط با رشد اخلاقی و خلاقیت

یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت علمی، معنوی و جسمی کودک و نوجوان، ایجاد هماهنگی و هم‌کاری مثبت و سازنده بین خانه، مدرسه و جامعه است. اخلاق و ارزش‌های اخلاقی تعیین‌کننده هوش افراد می‌باشند و میزان تمایل افراد یک جامعه به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند موجبات انحراف یا جلوگیری از انحرافات اجتماعی را در جامعه به وجود آورد. بحث درباره میزان اخلاقی بودن نوجوانان و جوانان و گرایش آن‌ها به ارزش‌های اخلاقی از جمله مسائل مهمی است که برای تمام افراد جامعه و بویژه دست‌اندرکاران حائز اهمیت می‌باشد. افراد اگر در برخورد با یکدیگر اصول اخلاقی را رعایت کنند و به عبارت دیگر ارزش‌های اخلاقی را در وجود خود نهادینه کرده و بر اساس آنها رفتارهای خود را جهت‌دهی

کنند، انتظام و انسجام جامعه در سطح وسیعی شکل خواهد گرفت؛ اما عدم رعایت اصول اخلاقی و پایبند نبودن به آنها، روابط اجتماعی افراد را مختل کرده و شیرازه نظم اجتماعی را به هم می زند بیشتر برخورد هایی که در مدارس بین دانش آموزان و نیز دانش آموزان با معلمان پیش می آید ناشی از این است که ارزش های اخلاقی و اجتماعی آنچنان باید و شاید در وجود دانش آموزان نهادینه نشده اند (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲).

امروزه آموزش و پرورش باید خلاقیت را به دانش آموزان پرورش دهد. با آموزش تقویت باور دینی در دانش آموزان توسط آموزش و پرورش، آنان خود را باور می کنند و با اطمینان و اتکالی به خود در طرح های نو آوری شرکت می جویند. مقدمه ی خودباوری، خویشتن شناسی است و خویشتن شناسی از طریق رشد اخلاقی است (الوانی، ۱۳۸۷، ص ۹).

آموزش و پرورش باید از طریق معنی دادن به دانش آموزان، خودآگاهی و خویشتن شناسی را در آنان زنده کند. سارتر (۱۹۹۵) می گوید: ما در حال معنا دادن به انسان هستیم، اما ساخت این تمدن، کشتی به گل نشسته است. دنیا غیر شخصی شده و اینها همه باعث معنازدایی از انسان شده است شرط اساسی باورهای دینی، شناخت خود است. یعنی وقتی انسان توانمندی ها و استعدادها و قابلیت های روانی، فردی، عقلی، فکری خود را شناخت، باور او در مورد این که می تواند آنها را پرورش دهد، شکل می گیرد و به خود پنداری خوب می رسد. خودپنداری های خوب با رفتار خودشکوفایی همراه می شود و فرد می تواند با آن با اطمینان به این که ارتباطش با محیط ثمربخش است، به تعامل با محیط بپردازد. فرد خودشکوفای، با محیط خود به خوبی رابطه برقرار می کند و فرصت های نشو و نمو و افزایش توان خود را می یابد و بدون تردید به رشد دیگران کمک می کند (قورچیان، ۱۳۸۴، ص ۸۸). بنابراین در راستای مبانی نظری و سوالات تحقیق هدف از پژوهش حاضر، تعیین رابطه بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان می باشد که سوال اصلی آن عبارتند از: آیا بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

و نیز سوالات فرعی تحقیق عبارت است از:

- ۱- آیا بین باورهای دینی و رشد اخلاقی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین باورهای دینی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی رشد اخلاقی دانش آموزان متفاوت است؟
- ۴- آیا سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی خلاقیت دانش آموزان متفاوت است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف "کاربردی"، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها "توصیفی، پیمایشی" است. از آنجایی که پژوهشگران به دنبال تعیین رابطه بین متغیرهای پژوهش بودند، این پژوهش از نوع "همبستگی" نیز بود. بنا به اهداف و روش اجرایی آن، جامعه آماری شامل ۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه اول ناحیه ۲ شهر ساری مشغول به تحصیل در سال ۹۵-۱۳۹۴ می‌باشند. تعداد نمونه براساس جدول کرجسی- مورگان صورت گرفته که تعداد ۲۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی- طبقه‌ای برحسب جنسیت انتخاب شده‌اند. از پرسشنامه گلاک و استارک (۱۹۶۵) برای سنجیدن نگرش‌ها و باورهای دینی و دینداری ساخته شده است. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت می‌باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی «کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف» را در بر گرفته است. همچنین، پرسشنامه لطف آبادی دارای ۱۸ سوال در شش مقوله اخلاقی و برای هر مقوله سه سؤال داستانی، طراحی شده است. این شش مقوله اخلاقی عبارتند از: اخلاق زیست- محیطی، اخلاق مراقبت از خود یا اخلاق فردی، اخلاق در مناسبات خانوادگی، اخلاق اجتماعی، اخلاق انسانی، و اخلاق مینوی (یا متعالی) که هر یک از هجده سؤال آزمون با یک یا چند مقیاس شش درجه‌ای قضاوت اخلاقی مورد سنجش قرار گرفته است. نیز از پرسشنامه خلاقیت عابدی ۶۰ سؤال دارد که چهار بعد (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری) را در بر داشته است. پاسخ به این سؤالات با توجه به سه گزینه نشان‌دهنده خلاقیت کم، متوسط و بالا، نمره گذاری شد. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظرخواهی از خبرگان و تحقیقات داخلی و خارجی انجام گرفته در گذشته، تأمین گردید. همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها برای متغیر باورهای دینی، رشد اخلاقی و خلاقیت به ترتیب (۰/۸۳، ۰/۸۰ و ۰/۷۷) بوده است و در این پژوهش از حداقل مقدار (۰/۷) بیشتر بود که نشان‌دهنده حد مطلوب پایایی است. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به این که پژوهشگران به دنبال بررسی رابطه بین باورهای دینی و رشد اخلاقی و خلاقیت می‌باشند، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل در سطح آمار استنباطی از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌ها

بنابر اطلاعات نمونه، فراوانی دانش‌آموزان دختر ۶۷ و پسر ۳۳ درصد بود. نتایج به دست آمده از بررسی سوال اصلی تحقیق نشان می‌دهد آیا بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟ که جدول (۱) نتایج بررسی سوال اصلی را نشان می‌دهد.

دهد.

جدول (۱): ماتریس همبستگی باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت

| | | | | | | |
|---|---------|---------|---------|---------|---------|---------------|
| ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | |
| | | | | | ۱ | ۱- رشد اخلاقی |
| | | | | ۱ | **۰/۴۹۵ | ۲- خلاقیت |
| | | | ۱ | **۰/۴۴۴ | *۰/۳۵۳ | ۳- اعتقادی |
| | | ۱ | **۰/۴۳۰ | *۰/۴۳۷ | **۰/۳۱۳ | ۴- عاطفی |
| | ۱ | **۰/۳۳۹ | **۰/۲۸۷ | **۰/۴۱۶ | *۰/۲۰۶ | ۵- پیامدی |
| ۱ | **۰/۶۹۲ | **۰/۳۶۶ | **۰/۳۰۶ | *۰/۱۹۴ | **۰/۲۷۳ | ۶- مناسکی |

$P < .05$

با توجه به جدول (۱) ماتریس ضرایب همبستگی می توان متوجه شد که بین متغیر هایی که با علامت (***) مشخص شده اند ضریب همبستگی در سطح معناداری ($P < .05$) رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به سطوح معناداری می توان نتیجه گرفت که ضریب همبستگی بدست آمده در مورد مولفه های درمورد مولفه اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی معنادار بوده (سطح معناداری کمتر از سطح 0.05 معناداری است) بنابراین بین مولفه های در مورد مولفه های اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی با رشد اخلاقی و خلاقیت جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. لذا باتوجه به نتایج بدست آمده از همبستگی دو متغیری به آزمون فرضیه های یاد شده پرداخته می شود.

سوال اول : آیا بین باورهای دینی و رشد اخلاقی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟ جهت پاسخگویی به این سوال، از تحلیل همبستگی دو متغیری استفاده شد. نتایج در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول (۲): همبستگی باورهای دینی و رشد اخلاقی

| متغیرها | شاخص آماری | R | سطح معناداری | تعداد |
|--------------|------------|--------|--------------|-------|
| باورهای دینی | رشد اخلاقی | *۰/۶۹۰ | ۰/۰۰۰ | ۲۱۷ |

با توجه به جدول (۲) چون مقدار سطح معنی داری (0.000) کوچکتر از سطح خطای 0.05 می باشد و همچنین ضریب تعیین همبستگی محاسبه شده ($r = 0.690$) می باشد

۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد بین باورهای دینی و رشد اخلاقی دانش آموزان رابطه وجود دارد. چون رابطه مثبت است بنابراین با افزایش رشد باورهای دینی رشد اخلاقی افزایش می‌یابد. و بالعکس.

سوال دوم: آیا بین باورهای دینی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد؟ جهت پاسخگویی به این سوال، از تحلیل همبستگی دو متغیری استفاده شد. نتایج در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول (۳): همبستگی باورهای دینی و خلاقیت

$P < .05^{**}$

| متغیرها | شاخص آماری | R | سطح معناداری | تعداد |
|------------------------|------------|--------------|--------------|-------|
| باورهای دینی خلاقیت | | $0/785^{**}$ | $0/000$ | ۲۱۷ |

با توجه به جدول (۳) چون مقدار سطح معنی داری ($0/000$) کوچکتر از سطح خطای 5% می‌باشد ضریب همبستگی محاسبه شده ($r = 0/785$) می‌باشد بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد بین باورهای دینی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد. چون رابطه مثبت است. بنابراین با افزایش رشد باورهای دینی خلاقیت افزایش یابد و بالعکس.

سوال سوم: آیا سهم هر یک از مولفه‌های باورهای دینی در پیش بینی رشد اخلاقی دانش آموزان متفاوت است؟

جهت پاسخگویی به این سوال، از تحلیل رگرسیون به روش متغیرهای پیش بین (باورهای دینی) و متغیر ملاک (رشد اخلاقی) استفاده شد. نتایج در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول (۴): مدل خلاصه شده تحلیل رگرسیون

| مدل | ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین استاندارد |
|-----|----------------------|------------|----------------------|
| ۱ | $0/344$ | $0/432$ | $0/414$ |

ضریب همبستگی چندگانه معادل $0/344$ ضریب تعیین $R^2 = 0/43$ نشان می‌دهد که ۴۳ درصد از تغییرات (واریانس) رشد اخلاقی از طریق چهار متغیر باورهای دینی (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی) قابل پیش بینی است.

جدول (۵): تحلیل واریانس رگرسیون

| منابع تغییر | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معناداری |
|-------------|---------------|------------|-----------------|-------|--------------|
| رگرسیون | ۱۲۶۳۰/۵۶۸ | ۴ | ۳۰۹۰/۱۴۲ | ۳۲/۸۸ | ۰/۰۰۰ |
| باقی مانده | ۱۹۹۱۸/۴۸۸ | ۲۱۲ | ۹۳/۹۵۵ | | |
| کل | ۲۱۱۸۲/۰۵۶ | ۲۱۶ | -- | | |

میزان آماره F برابر ۳۲/۸۸ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است، چون سطح معناداری کوچک تر از میزان خطای نوع اول در سطح ۰/۰۵ است لذا رابطه معنی دار بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می شود. یعنی سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی رشد اخلاقی دانش آموزان متفاوت است.

جدول (۶): تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی متغیر رشد اخلاقی بر اساس چهار متغیر باورهای دینی

| سطح معناداری | مقدار t | متغیر وابسته: رشد اخلاقی | | پیش بینی کننده ها |
|--------------|---------|--------------------------|-------|-------------------|
| | | ضریب استاندارد شده | B | |
| ۰/۰۰۰ | ۸/۶۹۱ | - | ۳۹/۷۴ | عدد ثابت |
| ۰/۰۱۳ | ۱/۲۸۵ | ۰/۱۷۷ | ۰/۳۴۲ | اعتقادی |
| ۰/۰۲۹ | ۲/۲۰۳ | ۰/۲۲۰ | ۰/۳۹۳ | عاطفی |
| ۰/۰۰۱ | ۱/۲۳۶ | ۰/۱۱۹ | ۰/۲۶۴ | پیامدی |
| ۰/۰۰۸ | ۱/۷۶۰ | ۰/۱۹۰ | ۰/۳۹۹ | مناسکی |

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می شود مقدار R^2 به دست آمده (۰/۴۳) بدین معنی است که ۴۳ درصد از واریانس متغیر رشد اخلاقی توسط چهار متغیر باورهای دینی (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی) بطور همزمان تبیین می شود به عبارت دیگر ۴۳ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر توسط این متغیر (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی) بطور همزمان توجیه می شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۳۴) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این نسبت F محاسبه شده (۳۲/۸۸) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین ۴ متغیر پیش بین با متغیر رشد اخلاقی معنادار وجود دارد از ۴ متغیر موجود متغیر عاطفی با ضریب استاندارد شده ۰/۲۲ دارای بیشترین سهم و در نتیجه در اولویت اول قرار دارد سپس متغیر مناسکی با ضریب ۰/۱۹ در اولویت دوم و متغیر اعتقادی با ضریب ۰/۱۷۷ در اولویت سوم و در نهایت متغیر پیامدی با ضریب ۰/۱۱۹ در

اولویت چهارم قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، به ازای یک واحد افزایش در متغیر اعتقادی ۰/۱۷۷، به ازای یک واحد افزایش در متغیر عاطفی ۰/۲۲ و به ازای یک واحد افزایش در متغیر پیامدی ۰/۱۱۹ و به ازای یک واحد افزایش در متغیر مناسکی ۰/۱۹ رشد اخلاقی افزوده می‌شود.

سوال چهارم: آیا سهم هر یک از مولفه‌های باورهای دینی در پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان متفاوت است؟

جهت پاسخگویی به این سوال، از تحلیل رگرسیون به روش Enter متغیرهای پیش‌بین (باورهای دینی) و متغیر ملاک (خلاقیت) استفاده شد. نتایج در جدول (۷) گزارش شده است.

جدول (۷): مدل خلاصه شده تحلیل رگرسیون

| مدل | ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین استاندارد |
|-----|----------------------|------------|----------------------|
| ۱ | ۰/۶۳۷ | ۰/۳۹۶ | ۰/۴۴۱ |

ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۶۷۳، ضریب تعیین $R^2 = ۰/۳۹$ نشان می‌دهد که ۳۹ درصد از تغییرات (واریانس) خلاقیت از طریق چهار متغیر باورهای دینی (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی) قابل پیش‌بینی است.

جدول (۸): تحلیل واریانس رگرسیون

| منابع تغییر | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F | سطح معناداری |
|-------------|---------------|------------|-----------------|-------|--------------|
| رگرسیون | ۲۹۴۸۰/۸۱۷ | ۴ | ۷۳۷۰/۲۰۴ | ۴۳/۹۱ | ۰/۰۰۰ |
| باقی مانده | ۳۵۵۸۰/۸۴۰ | ۲۱۲ | ۱۶۷/۸۳۴ | | |
| کل | ۶۵۰۶۱/۶۵۷ | ۲۱۶ | --- | | |

میزان آماره F برابر ۴۳/۹۱ و سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ است، چون سطح معناداری کوچک‌تر از میزان خطای نوع اول در سطح ۰/۰۵ است لذا رابطه معنی‌دار بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود. یعنی سهم هر یک از مولفه‌های باورهای دینی در پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان متفاوت است.

جدو (۹): تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی متغیر خلاقیت بر اساس چهار متغیر اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی

| سطح معناداری | مقدار t | متغیر وابسته: خلاقیت | | پیش‌بینی‌کننده‌ها |
|--------------|---------|----------------------|------------------------|-------------------|
| | | ضرایب استاندارد شده | ضرایب استاندارد نشده B | |
| | | | | |

| | | | | |
|----------|--------|------|--------|-------|
| عدد ثابت | ۸۱/۲۲۵ | - | ۱۸/۹۷۵ | ۰/۰۰۰ |
| اعتقادی | ۰/۲۱۵ | ۰/۴۵ | ۰/۷۲۵ | ۰/۰۹۰ |
| عاطفی | ۰/۰۸۸ | ۰/۳۴ | ۰/۶۱۱ | ۰/۰۴۴ |
| پیامدی | ۰/۰۷۹ | ۰/۲۷ | ۰/۲۸۲ | ۰/۰۳۳ |
| مناسکی | ۰/۱۲۹ | ۰/۲۳ | ۰/۴۵۱ | ۰/۰۲۸ |

همان طور که در جدول (۷) مشاهده می شود مقدار R^2 به دست آمده (۰/۳۹) بدین معنی است که ۳۹ درصد از واریانس متغیر خلاقیت توسط ۴ متغیر اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی بطور همزمان تبیین می شود به عبارت دیگر ۳۹ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر خلاقیت این ۴ متغیر بطور همزمان توجیه می شود مقدار R مشاهده شده (۰/۶۳) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این نسبت F محاسبه شده (۴۳/۹۱) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین ۴ متغیر پیش بین با متغیر خلاقیت همبستگی معنادار وجود دارد در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضرایب به دست آمده می توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

به ازای یک واحد افزایش در متغیر اعتقادی ۰/۴۵ و به ازای یک واحد افزایش در متغیر عاطفی ۰/۳۴، به ازای یک واحد افزایش در متغیر پیامدی ۰/۲۷ و به ازای یک واحد افزایش در متغیر مناسکی ۰/۲۳ خلاقیت افزوده می شود.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های سوال اصلی تحقیق نشان داد که، بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد این یافته با نتایج پژوهش‌های حیدرنیا (۱۳۹۳)، علیزاده موسوی (۱۳۸۴)، اوتمان (۲۰۱۱)، کوئینگ (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. انسان دین طلب است، به دنبال نیروی ماورایی حرکت می کند، می آموزد، به آن دل بندد و چگونه بودن خود را رقم می زند باورهای دینی، کامل و پویا از نظر تربیتی و اخلاقی اهمیتی به سزا در رشد صحیح روانی، رفتاری و شخصیتی انسان دارند. لذا ارتباط بین باورهای دینی با رشد اخلاقی و خلاقیت دانش آموزان منطقی به نظر می رسد. لذا پیشنهاد می گردد: معلمان در کنار تخصص به اصول اخلاقی مزین بوده و مسولین نیز این امر را در گزینش و ارزشیابی معلمان به صورت جدی در نظر بگیرند. همچنین رهبران سیاسی در مراسم مذهبی پیرامون مسائل مذهبی و ضرورت انجام آن، نکات لازم را به دانش آموزان گوشزد کنند.

یافته‌های سوال اول تحقیق نشان داد که، بین باورهای دینی و رشد اخلاقی دانش آموزان

رابطه وجود دارد این یافته با نتایج پژوهش‌های هاشمی و همکاران (۱۳۹۳)، موسوی پور و همکاران (۱۳۹۲) و نونیمیکر^۱ و همکاران (۲۰۱۱) همسو می‌باشد. برای اینکه جامعه تداوم داشته باشد لازم است که دانش آموزان ارزشهای دینی همسان و مشترک داشته باشند. بیشتر برخورد هایی که در مدارس بین دانش آموزان و نیز دانش آموزان با معلمان پیش می‌آید ناشی از این است که ارزش های اخلاقی و اجتماعی آنچنان باید و شاید در وجود دانش آموزان نهادینه نشده اند. لذا ارتباط بین باورهای دینی و رشد اخلاقی دانش آموزان منطقی به نظرمی رسد. لذا پیشنهاد می‌گردد: باید جوی ایجاد گردد که افراد مزین به اصول دینی - اخلاقی از ارزش و احترام خاصی برخوردار شوند و معلمان این نکات را در مدرسه مد نظر داشته باشند. همچنین معلمان در کنار تدریس مطالب کتاب همیشه بخشی از وقت کلاس را به آموزش باورهای دینی و ایجاد نگرش مثبت بچه ها به ارزش های اخلاقی اختصاص دهند و در غنی سازی بیشتر کتاب دین و زندگی اهتمام بیشتری شود.

یافته‌های سوال دوم تحقیق نشان داد که بین باورهای دینی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد این یافته با نتایج پژوهش‌های پوستین دوز (۱۳۸۸) و فرتون (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. اصولاً توجه نوجوان به مسائل ماوراء طبیعی بیشتر جلب شده و علاقمند می‌شود که از مسائل آن سوی پرده طبیعت آگاهی پیدا کرده و از دنیای معنویات، جهان آخرت و ایده آل های دینی باخبر شود. لذا پیشنهاد می‌گردد: پرورش رشد خلاقیت دانش آموزان توسط والدین، معلمان و نیز پخش برنامه هایی از صدا و سیما که باورهای دینی را تبلیغ نماید و فواید عملی آنها را تشریح نماید. همچنین، معلمان و مدیران همیشه در تشویق خلاقیت دانش آموزان، دانش آموزانی را که از نظر اخلاقی برترند، تشویق نمایند تا اصول اخلاقی به عنوان ارزشهای مثبت در خلاقیت دانش آموزان نهادینه گردد.

یافته‌های سوال سوم تحقیق نشان داد که، سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی رشد اخلاقی دانش آموزان متفاوت است. این یافته با نتایج پژوهش‌های موسوی مقدم و همکاران (۱۳۹۳) و آرنوا^۲ و همکاران (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، ایجاد ارتباط معنوی با قدرت بیکران به دانش آموز این اطمینان را می‌دهد که نیروی قوی همیشه او را حمایت می‌کند. لذا تفاوت سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی رشد اخلاقی دانش آموزان منطقی به نظرمی رسد. لذا پیشنهاد می‌گردد: با برگزاری کلاسهای آموزشی - اخلاقی ستم، بهره گیری از آموزه های دینی و با برگزاری کلاس های

1 Nvnymykr

2 Arnau

آموزش اخلاقی به خانواده برای آگاه نمودن آنها از نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه و یادآوری این مطلب به والدین که رفتارها و گرایشات دانش آموزان در مدارس صورت گیرد. همچنین، ارزش های دینی و اخلاقی با زبان قابل فهم و ساده در کتب درسی گنجانده شود نه با الفاظ فلسفی و ثقیل و در بهینه سازی نمازخانه، وضوخانه، کتابخانه و اتاق مشاوره تلاش بیشتری شود. و تا حد امکان از ضعفهای دینی - اخلاقی دانش آموزان چشم پوشی شود و در انتخاب دبیران دینی توانا و دارای تسلط کافی بر مطالب درسی، تلاش بیشتری شود.

در نهایت، یافته‌های سوال چهارم تحقیق نشان داد که، سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی خلاقیت دانش آموزان متفاوت است این یافته با نتایج پژوهش‌های نور بخش و همکاران (۱۳۹۴) و پانام^۱ و همکاران (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. بدیع و مفید بودن، دو شرط الزامی برای خلاقانه در نظر گرفته شدن یک ایده هستند. نوآوری ایصال به مطلوب و خلاقیت حلقه اتصال بین باورهای مذهبی آنهاست لذا تفاوت سهم هر یک از مولفه های باورهای دینی در پیش بینی خلاقیت دانش آموزان منطقی به نظر می‌رسد. لذا پیشنهاد می‌گردد: با ارسال بروشورهایی به مدارس جهت تشویق دانش آموزان به رعایت اصول اخلاقی و بکارگیری آنها در طرح های خلاق در مدارس صورت گیرد. همچنین، این نگرش در دانش آموزان ایجاد شود که رعایت و دارا بودن ارزش های اخلاقی درنو آوری و خلاقیت در برنامه درسی کل به نفع فرد می باشند.

در مراحل انجام تحقیق محدودیت هایی اعمال می گردد، برای انجام این تحقیق زمان زیاد و تلاش زیادی صورت گرفته است. همچنین یکی دیگر از محدودیت ها، محدود بودن جامعه آماری به دانش آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه اول ناحیه ۲ شهر ساری و نیز محدود بودن زمان اجرای پژوهش و توزیع پرسشنامه بوده است. در نهایت، از جمله موضوعاتی که می توان به محققان برای انجام کار در این زمینه پیشنهاد داد می توان این تحقیق را در مقاطع تحصیلی دیگر انجام داد. به پژوهشگران علاقه مند، پیشنهاد می‌شود به انجام پژوهش در حیطه‌های مشابه اما در مناطق مختلف کشور بپردازند تا امکان تعمیم دهی بیشتر نتایج فراهم گردد.

فهرست منابع

- اسلامیان، ملیحه. (۱۳۹۰). بررسی راه‌های تقویت ارزش‌های اخلاقی در دانش‌آموزان، فصلنامه مدیریت آموزشی، شماره ۱۷، صص ۲۰۵-۱۸۵.
- افروز، غلامرضا. (۱۳۸۸). مبانی روان‌شناختی روش‌های تربیت دینی کودکان و نوجوانان، نماز در سیمای خانواده، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران: ساوالان.
- آریان‌پور، منوچهر. (۱۳۸۵). فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران: جهان‌رایانه.
- بازرگان، زهرا. (۱۳۸۶). یازده قدم در رشد اخلاقی کودکان، پیوند، شماره ۲۱۱، صص ۴۵-۱.
- برونو، فرانکو. (۲۰۱۱). فرهنگ توصیفی روانشناسی، ترجمه مهشید یاسائی و فرزانه طاهری. (۱۳۸۰). انتشارات طرح نو.
- پوستین دوز، محمد صادق (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی با خلاقیت و رضایت شغلی در بین کارکنان دانشگاه هنر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی صنعتی سازمانی، دانشگاه آزاد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- حسن زاده، فریبا. (۱۳۹۳). بررسی توصیفی تأثیر آموزش بارش مغزی بر خلاقیت، فصلنامه‌ی آموزشی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۵-۴.
- حیدرنیا، علی. (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی رابطه باورهای دینی با سبک زندگی مردم شهر زاهدان، فرهنگ و اندیشه دینی، دوره یک، شماره ۲، صص ۱۲-۱.
- خدایاری فر، محمد؛ عاملی زهرا. (۱۳۹۰). تهیه پرسشنامه نگرش سنج مذهبی در بین دانشجویان، پایان‌کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم انسانی.
- طالب بیدختی، عباس. (۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمانها، ماهنامه تدبیر، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۸۵-۲۵.
- طالب زاده، عباس؛ مقدم، فاطمه (۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان‌ها، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۵۲، صص ۱۰-۲.
- علیزاده موسوی، ابراهیم. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای تأثیر فضاهای پرورشی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان، پژوهشنامه تربیتی، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۱۶-۱۰۳.
- قورچیان، نادرقلی. (۱۳۸۴). رشد و تحولات برنامه درسی، تهران: مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- کرمی نوری، رضا؛ مرادی، علیرضا. (۱۳۹۰). روان‌شناسی تربیتی، تهران: نشر میثاق.
- کفایت، محمد. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزند‌پروری با خلاقیت دانش‌آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۹). روانشناسی رشد، تهران: انتشارات بعثت.

- مصباح یزدی، علی. (۱۳۹۳). روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: همدف. موسوی پور، سعید؛ فقیهی، علیرضا؛ احمدی، عاطفه؛ عباسی، فاطمه؛ مهربانی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عمل به باورهای دینی با احساس امنیت اجتماعی و پرخاشگری دانشجویان دختر دانشگاه های اراک، فصلنامه دانش انتظامی مرکزی، دوره چهار، شماره ۴، صص ۵۴-۳۶.
- مهدوی، محمد صادق؛ زارعی امین. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به ارزش های اخلاقی در دانش آموزان، مجله مطالعات جامعه شناختی ایران، دوره یک، شماره ۳، صص ۲۱-۱.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش هوش عاطفی بر کیفیت خدمات شعب بانک ملت، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۹-۱.
- هاشمی، تورج؛ آرین پور، الناز؛ ماشینی عباسی، نعمیه. (۱۳۹۳) بررسی نقش جهت گیری اجتماعی بر رفتار اخلاقی با توجه به نقش میانجی معنویت، نشریه شناخت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، صص ۴۴-۳۰.
- Arnau, R.C., Austin, J. T. (2008). examined the relationship between religiosity and moral development and character, *Journal for the Theory of Social Behavior*, 40,21-38.
- Clark, C.A., & Worthington, E.V., Jr. (2009). family variables affecting the transmission of religious values from parents to adolescents, *A review. Family perspectives*, 21, 100-190.
- Glock, C. Y., & Stark, R. (1965). *Religion and society in tension*. Chicago: Rand McNally.
- Koenig, S.H. (2007). meta-analysis to examine the relationship between moral development and mental health and social functioning, *Annual review of psychology*, 51, 201-226.
- Nvnymykr M. Csikszentmihalyi, L. (2011). examined the role of religious participation on moral development of teenagers, *Iranian Journal of nursing* 20(25): 61-55.
- Othman, F.D. (2011). The Role of religious belief and its impact on student creativity, *scientific quarterly of Birjand nursing and midwifery faculty*, 8(2): 124-116.
- Pasyny, H. (2011). Self-Control: Beyond Commitment, *Behavior and Brain Sciences*, 18(1), P.109-159.
- Putnam B, Soenens B, Beyers W. (2010) investigated the relation between religion, social capital and life satisfaction among young people, *Journal for the Scientific Study of Religion* 2004; 43(2): 239-60.
- wagemann, S.A. (2012). Familial factors related to youth leaving or remaining in deviant religious groups, *Journal of Marriage and the Family*, 48, 15-60